

ایران - عمان: اندازه مناسبات

غلامحسین یوسفی *

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هجدهم، شماره 3، پیاپی 71، پاییز 1396؛ صفحات 74 - 35

تاریخ دریافت: 1396/7/15 تاریخ پذیرش نهایی: 1396/8/30

چکیده

عمان کشوری است که با درک شرایط کنونی جهان و منطقه، همواره سعی کرده است با اتکا به منابع قدرت نرم خود منزلت استراتژیک خود را در منطقه و جهان ارتقا بخشد و با افزایش موارد میانجی‌گری خود در پرونده‌های مختلف منطقه‌ای، در نظام بین‌الملل کسب وجهه کند. عمان برای جمهوری اسلامی ایران همسایه‌ای خوب و حامی بوده است. اگرچه گفته می‌شود که علاقه عمانی‌ها به ایران مربوط به حمایت ایران در پیش از انقلاب اسلامی در سرکوبی چریک‌های ظفار می‌شود. اما شواهد تاریخی نشان می‌دهد که علاقه عمانی‌ها به ایران و ایرانی فراتر از یک واقعه تاریخی است و ماجرای ظفار یکی از دلایل و عوامل علاقه عمانی‌ها به ایران است. روابط ایران و عمان دارای نقاط قوتی است که باید این نقاط قوت را نخست شناخت و سپس در جهت تأکید و استمرار آنها تلاش نمود و با دور اندیشی و بویژه نگرش راهبردی، در راستای گسترش و ژرف نمودن آنها راهبرد تعریف، تدوین، تصویب و اجرا نمود. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی روابط ایران و عمان در صدد ارائه یک چشم‌انداز در مناسبات میان این دو کشور است.

واژگان کلیدی

ایران، عمان، مناسبات، میانجی‌گری، روابط راهبردی

* دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان، پژوهشگر و کارشناس ارشد مسائل بین‌الملل

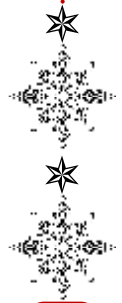


مقدمه

عمان کشوری است که از شمال غرب با امارات متحده عربی، از غرب با عربستان سعودی و از جنوب غرب با یمن همسایه است. عمان که اینک کشور پادشاهی یا سلطان‌نشین عمان نامیده می‌شود، پیش از این، به تمامی نواحی شرق شبه جزیره عربستان اطلاق می‌شد. ولی بعدها این ناحیه، به عمان متصالح، یعنی امارات متحده عربی و سرزمین اصلی مسقط و عمان تقسیم گردید. بخشی از خاک عمان، شبه جزیره مسندم یا رأس المسندم است که امارات‌های فجیره و شارجه آن را از بخش وسیع مرکز و جنوب جدا می‌کنند. این کشور دارای چند جزیره کوچک و بزرگ در دهانه تنگه هرمز و دریای عرب است که جزیره مصیره یکی از بزرگ‌ترین، آن‌ها به شمار می‌رود. جزیره ی مصیره از دیرباز پایگاه نظامی انگلیس بود و سپس از سوی آن کشور در اختیار آمریکا قرار گرفت. این جزیره هم اینک مرکز استقرار نیروی واکنش سریع آمریکا در منطقه و محل ایستگاه تقویتی B.B.C است.

اهمیت راهبردی عمان از سه بعد قرارگرفتن در کرانه‌های جنوبی تنگه هرمز از طریق شبه جزیره مسندم، موقعیت ویژه این کشور در غرب اقیانوس هند و در اختیار داشتن جزایر راهبردی مانند جزیره مصیره و جزایر کوریا موریما می‌باشد. شبه جزیره مسندم مشرف بر تنگه هرمز و خطوط کشتیرانی بین‌المللی بوده و یکی از نقاط حساس جهان محسوب می‌گردد. حاکمیت عمان بر بخش جنوبی تنگه هرمز این کشور را از نظر راهبردی در وضعیت ویژه‌ای قرار داده به‌طوری که اهمیت آن را برای تمامی کشورهای منطقه حتی برای کشورهای خارج از منطقه که به نفت و بازارهای منطقه وابسته هستند، مضاعف می‌کند. (ضیغمی، 1396)

یک چهارم جمعیت عمان در ناحیه بزرگ پایتخت زندگی می‌کنند که شامل مسقط پایتخت این کشور، مطرا بندر اصلی و راحی مکان تجاری و بازرگانی عمان می‌شود. عمان در چند دهه اخیر در مقایسه با کشورهای حومه خلیج



فارس، توسعه سریع‌تری داشته است. توسعه اقتصادی این کشور تقریباً تا زمان جلوس سلطان قابوس در سال 1970 به طور کامل مورد غفلت قرار گرفته و از آن زمان، به طور تدریجی پیشرفت کرده است (گازیروسی، 1394: 280-282). براساس تقسیمات کشوری و اداری، عمان دارای 61 ولایت در چهار استان مسقط، ظفار، مسندم و البریمی و پنج منطقه باطنه، ظاهره، شرقیه، داخلیه و الوسطی است. اداره هر کدام از این ولایت‌ها برعهده والیان قرار دارد که از سوی سلطان انتخاب می‌شوند و در برابر وزیر کشور مسئول و پاسخ‌گو هستند. استانداران که در رأس استان‌های چهارگانه قرار دارند خارج از سیستم وزارت کشور و زیر نظر مستقیم سلطان انجام وظیفه می‌کنند.

شیوه کشورداری خاندان قابوس (طبع ملایم)

سابقه تاریخی عمان نشان داده است که مقامات این کشور نهایت تلاش خود را برای شکل دادن محیط منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق دستگاه دیپلماسی، عرف و هنجارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی به کار بسته‌اند و با اتخاذ سیاست میانجی‌گری در حل و فصل اختلافات منطقه‌ای و راهبرد بی‌طرفی در تحولات منطقه و طراحی و عملیاتی کردن نقشه راه خود در عرصه سیاست خارجی مبتنی بر تعامل، اقناع و همکاری، تلاش کرده‌اند ثبات و امنیت حاصل از این شرایط را به منافع خود پیوند زده و با همراهی و ائتلاف نانوشته با قدرت‌های فرمانطقه‌ای نظیر ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه، در راستای تحقق اهداف و منافع ملی خود گام بر دارند. عمانی‌ها توانستند با اتخاذ عقلانیت سیاسی، بازتعریف مفاهیم در منطقه و عبرت گرفتن از اشتباه‌های سایر بازیگران گامی مهم در مسیر حل و فصل اختلافات منطقه‌ای بردارند. از این رو تفاوت و فاصله زیادی بین الگوی عمانی و الگوی عربستانی حاکم بر تعاملات منطقه‌ای وجود دارد. شاخص‌های الگوی عربستانی بیشتر شامل جنگ‌طلبی، توهمات برساخته ذهنی، توسعه‌طلبی،



نقض قوانین و مقررات بین‌المللی، مداخله در امور داخلی سایر کشورها و حمایت از تروریسم و گروه‌های تکفیری است، در حالی که شاخص‌های الگوی عمان بر توسعه صلح و ثبات منطقه‌ای، بی‌طرفی در منازعات، گسترش و تقویت روابط منطقه‌ای و... تأکید دارد. در نظر سیاستمداران عمانی، تنها موضوعی که بین کشورهای منطقه پایدار باقی خواهد ماند، همسایگی است و از این رو مهم‌ترین مسئله، شناخت منافع و تعیین بهترین راهکار برای حفظ ثبات و امنیت در منطقه است. (نیکخواه، 1395: 59)

دولت‌ها در اختلافات بین‌المللی هنگامی میانجی‌گری می‌کنند که بخواهند خطری را از خود دور کنند یا برای خود سهم و نفوذی کسب نمایند. البته این سهم مادی نیست، بلکه می‌تواند دستاوردی غیرمادی مانند کسب اعتبار و ارتقای وجهه یک دولت را نیز به ارمغان آورد. (واعظی، 1384: 28) یک دولت میانجی‌گر در مرحله اول می‌خواهد فضای پیرامونی خود را آرام کند. همچنین در تلاش است فضای آرام را با منافع ملی خود پیوند بزند و با افزایش مؤلفه‌های میانجی‌گرایانه خود تلاش می‌کند فرهنگ ملی خود را در دنیا گسترش دهد. این بحث به مقوله دیپلماسی عمومی برمی‌گردد که در این زمینه دولت‌ها علاقه‌مند ارائه چهره مثبتی از خود نزد افکار عمومی هستند. در حقیقت، یک دولت میانجی‌گر با اقدام میانجی‌گرایانه خود در پی اثبات دو چیز است: اولاً در انحصار توهمات ایدئولوژیک نیست؛ ثانیاً تمایل دارد به موارد مفید، عینی و واقعی بیندیشد. بازیگران کوچک با آرام‌سازی محیط پیرامونی خود و توسل به ابزار میانجی‌گری، به نوعی این فضای آرام محیطی را به منافع خود پیوند می‌زنند. در هر صورت، در تمامی موارد میانجی‌گری از به عهده گرفتن این نقش سود می‌برد و این منفعت یا در فرایند میانجی‌گری نصیب او می‌شود مانند افزایش شأن و حیثیت آن یا در نتیجه میانجی‌گری حاصل می‌آید مانند پیشبرد منافع امنیتی. عمان به عنوان یکی از کشورهای باثبات زیرمنطقه خلیج فارس در خاورمیانه،



تلاش کرد در کنار ثبات سیاسی داخلی و حفظ آن، به حفظ روابط متعادل خود با همسایگان نیز بپردازد و در سال‌های اخیر بارها به عنوان میانجی بین ایران و کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ ظاهر شده است. باید توجه کرد که گرچه از لحاظ تاریخی بین سال‌های هفتاد میلادی و در اوج تقابل شرق و غرب و در چارچوب قواعد نظام دو قطبی، خود درگیر بحران بزرگی به نام جدایی طلبان منطقه ظفار بوده است و کمک‌ها و حمایت‌های نظامی ایران در آن دوره تاریخی باعث تثبیت پایه‌های حاکمیت کنونی به رهبری سلطان قابوس شد که می‌تواند به عنوان فاکتوری کلیدی در چرایی این ایفای نقش مورد بحث قرار گیرد، اما عمان تقریباً از دهه 1980 با استقرار ثبات سیاسی و اجتماعی به رهبری سلطان قابوس با یک راهبرد ثابت که بهترین تعبیر از آن «راهبرد توسعه و ثبات در داخل و صلح و آرامش و همزیستی مسالمت‌آمیز برای منطقه» است، سیاست داخلی و خارجی خود را شکل داده است. در حال حاضر، عمان از قبل همین راهبرد اصولی به یکی از کانون‌های مورد اعتماد میانجی‌گری در حل بحران‌ها و منازعات منطقه‌ای تبدیل شده است و اعتقاد دارد که راه‌حل اساسی برای حوزه کشورهای خلیج فارس، دوری از درگیری و تلاش برای حل مشکل بین طرف‌ها، از طریق گفت‌وگوست. مسئولان این کشور به این موضوع ایمان کامل دارند که وجود بحران در هر یک از کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه به سرعت به کشورهای دیگر از جمله عمان تسری می‌یابد.

عمان از واقعیت‌های خاورمیانه آگاه است و می‌داند که زیرمنطقه خلیج فارس یکی از کانون‌های بحران در خاورمیانه است. با توجه به رقابت‌های دیرینه بین‌عربی و عربی-اسرائیلی و کشمکش میان برخی از کشورهای عربی با ایران به ویژه عربستان، کشور عمان می‌داند که باید استراتژی متفاوتی را در دستور کار خود قرار دهد که با توجه به این تنش‌ها، در وهله نخست این کشور را از هرگونه منازعه دور کند و در وهله دوم نیز زمینه‌ای برای کسب منافع ملی این کشور در



تنش‌زدایی ایجاد نماید. با استناد به همین مسائل، در استراتژی سیاست خارجی عمان یک اصل راهبردی وجود دارد و آن استفاده از شکاف‌های سیاسی کشورهای همسایه است که به استقلال سیاست خارجی منعطف این کشور کمک می‌کند.

در بعد داخلی نیز ضدیت مقامات سیاسی این کشور با رادیکالیسم مذهبی - سیاسی در داخل کشور و در سطح منطقه است. یکی از سیاست‌های مثبت دولت مردان مسقط، مخالفت با ظهور و گسترش جریان‌های اسلام‌گرای رادیکال ضد شیعی در داخل کشور بوده است. منش میانه‌روی، اصلی اساسی در سرکوب و مقابله با جریان‌های سلفی و وهابی در عمان بود و نقشی مهم در حفظ آرامش در این کشور داشت.

در ارتباط با رویکرد سیاست خارجی، آنچه طی سال‌های اخیر از مواضع عمان در راستای منافع و حفظ قدرت، مشاهده شده است، رویکرد بی‌طرفانه مسقط نسبت به تحولات بعد از سال 2011 و مخالفت با رادیکالیسم سیاسی - مذهبی حاکم بر منطقه بوده است. این کشور معتقد است که انقلاب‌ها و خیزش‌های اسلامی نتیجه تراکم خواسته‌های چند دهه بوده است. با وجود این، ضمن دخالت نکردن در این زمینه تلاش کرد به آرای مردم و خواست مشروع آنان احترام گذارد. به‌رغم اینکه بسیاری از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نگران انقلاب‌های عربی هستند، مسقط تلاش کرد به نوعی در نقش ناظر بی‌طرف، منفعت خود را پیگیری کند و تنها در چارچوب اتحادیه عرب نقش مثبتی داشته باشد. این رویکرد موجب شد تا پادشاهی عمان اکنون باثبات‌ترین کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس از نظر امنیت داخلی باشد و هیچ‌گونه بحران امنیتی و سیاسی در این کشور مشاهده نشود. (نیکخواه، 1395: 50)

دولت عمان با درک اهمیت این مقولات در دنیای متحول و متبدل کنونی، همواره سعی کرده است با اتکا به منابع قدرت نرم خود منزلت استراتژیک خود را در منطقه و نظام بین‌الملل ارتقا بخشد و با افزایش موارد میانجی‌گری خود در



پرونده‌های مختلف منطقه‌ای، فرهنگ ملی خود را گسترش بخشد و به جهانیان نشان دهد که در اسارت توهمات و تصورات ایدئولوژیک نیست و به مسائل مفید و واقعی در محیط پیرامونی خود بیندیشد. (همان)

عمان کشوری است که جهان را آن‌گونه که هست، پذیرفته است و سعی می‌کند با ارائه اصول و گزاره‌های عام به مفاهیم کلان منافع ملی، امنیت و... برسد. سیاست‌گذاران عمان در مواجهه با نظم حاکم بر نظام بین‌الملل به نظر می‌رسد سلطه قدرت‌های جهانی را پذیرفته‌اند و مطابق نوعی محافظه‌کاری سعی می‌کنند به اهداف امنیتی و سیاسی خود دست یابند. عمان به این نتیجه رسیده است که به دلیل آسیب‌پذیری در حوزه‌های مختلف، باید در عرصه خارجی، رویکردها و سیاست متمایزی نسبت به سایر بازیگران منطقه‌ای اتخاذ کند. از این رو، تنها کشور حاشیه جنوبی خلیج فارس است که در سیاست خارجی خود هیچ‌گونه خط قرمز و تابویی برای خود متصور نشده است. امروزه عمان به لطف هوشمندی و درایت مقامات خود، حرکت مؤثری از آسیب‌پذیری به انعطاف‌پذیری را طی کرده است. عمان تلاش می‌کند با گسترش روابط شبکه‌ای و تقویت پیوندهای خود با بازیگران مختلف، امنیت و بقای خود را تضمین کند و خود را یک برند متعادل و میانجی‌گر بین کشورهای منطقه معرفی کند. عمان در عین حال تلاش می‌کند همچنان به عنوان متحد مورد اطمینان غرب در منطقه نیز قلمداد شود. از آنجا که امروزه عرصه دیپلماسی، عرصه مدیریت تصاویر¹ است، عمان در این راستا، اهداف زیر را دنبال می‌کند:

1. حفظ و تضمین امنیت عمان در منطقه پرآشوب و جنگ‌زده خاورمیانه؛
2. ارائه تصویر عمان به جهانیان به عنوان یک کشور مدرن و یک دولت تجارت‌محور که قدرت رقابتی مناسبی در اقتصاد منطقه دارد.
3. این تصویرسازی از عمان در نظام بین‌الملل سرانجام موجب منحرف کردن

1. امروزه هنر دیپلماسی، مدیریت تصاویر مختلف خود-خود، دیگران-دیگران، خود و دیگران-دیگران است.

توجهات بین‌المللی از نقاط ضعف و کاستی‌های سیاسی عمان همچون فقدان دموکراسی، ضعف نهادهای مدنی و... خواهد شد.

پیروان فرقه اباضیه اکثریت جامعه عمان را تشکیل می‌دهند و اصولاً مردمانی آرام و محتاط همراه با رفتار و منش اجتماعی معتدل و خلق و خوی نرم هستند. آنها در سراسر مناطق عمان زندگی می‌کنند. در مذهب اباضیه نیز اعتقاد به شورا و مجالس حل و عقد وجود دارد. همین مساله به سطوح تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری عمان نیز تسری یافته است. بنابراین کشور عمان از هر طایفه و قبیله‌ای سران و نمایندگانی را در مجالس اهل حل و عقد گردهم آورده و آنها را در تصمیم‌سازی برای کشور مشارکت می‌دهد. به این صورت تصمیماتی که گرفته و به اجرا گذاشته می‌شود، حاصل خرد جمعی است و همگان به آن پایبند هستند. (ضیائی، 1396) سلطان قابوس برنامه‌هایی برای مواجهه حضوری با سران قبایل و طوایف دارد که به مناطق آنها سفر کرده و به صورت چهره به چهره با آنها و حتی مردم مناطق دیدار و گفتگو کرده و ضمن توجه به نظرات آنها به مشکلاتشان نیز رسیدگی می‌کند. این شیوه موجب درگیر شدن سران قبایل و طوایف در امور جاری کشور و حتی مردم شده و رضایت‌مندی آنها را از حاکمیت، رقم می‌زند. (ضیغمی، 1396)

نقش آفرینی واسطه‌ای عمان در منطقه

از زمان پیدایش دولت-ملت‌های مدرن در نتیجهٔ معاهده وستفالیا،¹ به‌رغم همهٔ منازعات صورت‌گرفته، شاهد تلاش بازیگران مختلف- به صورت اقدامات فردی و گروهی- برای جلوگیری از وقوع جنگ‌ها و منازعات و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و مناقشات منطقه‌ای و بین‌المللی هستیم. همچنین در

1. کشورهای اروپایی بعد از جنگ‌های 30 ساله مذهبی در سال 1648 میلادی، با انعقاد این معاهده پایه‌های نظام بین‌الملل نوین را ایجاد کردند.

منشور ملل متحد به طور صریح و شفافی بر ضرورت حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین واحدهای سیاسی تأکید و به عنوان عمده‌ترین منابع رجوع به روش‌های حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی مطرح شد. در بند 3 ماده 2 این منشور مقرر شده است: «همه اعضا، اختلافات بین‌المللی خود را از طریق روش‌های مسالمت‌آمیز به صورتی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به مخاطره نیفتد، حل و فصل خواهند کرد.» (مقتدر، 1384:109)

از بین روش‌های مختلف سیاسی حل مسالمت‌آمیز اختلافات، میانجی‌گری به عنوان یک ابزار و شیوه کارآمد برای کنترل منازعه و حل و فصل اختلافات از طریق مسالمت‌آمیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امروزه در عرصه نظام بین‌الملل با ماهیت آنارشیک، با مناقشات تشدیدشونده‌ای روبه‌رو هستیم؛ از این رو، میانجی‌گری به اندازه خود منازعات اهمیت پیدا می‌کند. (واعظی، 1386:176)

به نظر می‌رسد این نوع دیپلماسی، مطلوب بازیگرانی باشد که از آنها به عنوان بازیگران کوچک و آسیب‌پذیر نظام بین‌الملل یاد می‌شود. کشورهای کوچک به دلیل جمعیت محدود، قلمرو سرزمینی محدود، حاکمیت شکننده و اغلب وابسته، مجاورت با کشورهای بزرگ و بوروکراسی حکومتی محدود و متمرکز ممکن است عقب‌مانده و توسعه‌نیافته به نظر برسند؛ از این رو برای جبران این ضعف‌ها و کاستی‌ها از دیپلماسی نیچه استفاده می‌کنند. (Albrto, 2012) دیپلماسی نیچه به کشورهای کوچک این فرصت را می‌دهد تا با تمرکز بر منابع نرم‌افزاری در حوزه‌های خاص به تولید برندهای ملی دست یابند. می‌توان برند ملی را تصور و برداشت افکار جامعه جهانی در مورد یک کشور خاص تعریف کرد. (Peterson, 2006:754) در حال حاضر فضاهای مختلفی وجود دارد که کشورها در آن به صورت مستقیم و آشکار با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. این فضاها عبارت‌اند از: صادرات برند، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توریسم، ورزش، هنر، فرهنگ، بی‌طرفی و میانجی‌گری. (رنج‌کش، 1392:148) بازیگر میانجی باید





دارای شرایط زیر باشد:

1. صداقت، شفافیت و بی‌طرفی آشکار؛
2. شناخت بنیانی از فرایند چانه‌زنی جمعی و اعتقاد به آن؛
3. توجه به اصل اختیار و پرهیز از تحمیل نظرات به طرفین در جریان میانجی‌گری؛
4. اعتقاد بنیادی به ارزش‌ها و ظرفیت‌های انسانی توأم با قابلیت ارزیابی نقاط ضعف و قوت فردی؛
5. برخورداری از اعتماد به نفس و صبر لازم.

عمان در عرصه سیاست خارجی، کشوری محافظه‌کار است که همواره سیاست خارجی باثباتی دارد و سیاست خارجی خود را طی دهه‌های مختلف به ویژه با انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها هماهنگ کرده است. این کشور در عین حال، نوعی استقلال عمل در این عرصه برای خود قائل است و این ویژگی را حفظ کرده است. کشورهای غربی نیز نقش میانجی‌گری عمان را پذیرفته‌اند.

عمان و عضویت در شورای همکاری خلیج فارس

نقش پادشاهی عمان در شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی، نقشی کاملاً مثبت بوده و تلاش کرده است در بحران‌های مذهبی و قومی که باعث ایجاد تنش و منازعه در خاورمیانه می‌شود، نقشی نداشته باشد. از زمانی که شورای همکاری خلیج فارس تشکیل شد، عمان با این شرط که به بحران‌ها و مناقشات عربی و دسته‌بندی‌های عربی و عربی-ایرانی وارد نشود، به عضویت آن درآمد. براساس قواعد نانوشته‌ای که معمولاً بر سازمان‌های منطقه‌ای حاکم است، کشورهای بزرگ عضو، نقش بازیگر راهبر و جریان‌ساز را دارند و اعضای کوچک‌تر نقش پیرو را در سیاست‌ها بازی می‌کنند. مناسبات حاکم بین عربستان و سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس بر

چنین قاعده‌ای استوار است؛ اما مسقط از بدو امر بر اساس بینش واقع‌گرایانه، خود را ملزم به قیادت تام از عربستان نکرده است.

عمان از سال 1985، خط‌مشی سیاسی روشن‌تری نسبت به مسائل منطقه‌ای پیش گرفته و با حفظ موضع بی‌طرفانه، در جهت تشنج‌زدایی در مسائل منطقه حرکت کرده است. مهم‌ترین هدف سیاست خارجی عمان، اطمینان یافتن از ثبات در منطقه خلیج فارس و حفظ استقلال از سیطره عربستان سعودی است. عمان از واقعیت‌های خاورمیانه آگاه است و می‌داند که زیرمنطقه خلیج فارس یکی از کانون‌های بحران در خاورمیانه است. با توجه به رقابت‌های دیرینه بین‌عربی و عربی-اسرائیلی و کشمکش میان برخی از کشورهای عربی با ایران به ویژه عربستان، عمان می‌داند که باید استراتژی متفاوتی را در دستور کار خود قرار دهد.

اختلاف در شورای همکاری خلیج فارس

عمان و عربستان درون شورای همکاری خلیج فارس در سیاست خارجی‌شان درباره جمهوری اسلامی ایران، سوریه، یمن، بحرین، عراق، لبنان و... با هم اختلاف نظر دارند. اولین اختلاف دو کشور در مورد شورای همکاری خلیج فارس درباره دلایل موجد این شورا است. عمان شورای همکاری را به عنوان سازوکاری برای مقابله با تهدیدهای داخلی منطقه و تهدیدهای احتمالی خارجی در نظر دارد. خصوصاً اینکه این شورا ابزاری برای در امان ماندن از شر تهدیدهای عربستان باشد؛ اما سعودی‌ها دیدگاه کاملاً متفاوتی نسبت به شورا داشتند. آنان به شورا نیاز داشتند تا ابزاری در دست آنها برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران باشد. همچنین به دنبال کسب امتیاز به عنوان رهبر شورای همکاری خلیج فارس از جهان خارج هستند. تحلیلگران از این شورا به عنوان 5+1 یاد کردند. به سعودی‌ها نیز در شورای همکاری لقب برادر بزرگ‌تر داده شد. تهدیدی که عمانی‌ها از طریق تشکیل شورای همکاری برای رفع آن



می‌کوشیدند، با تشکیل شورای همکاری تشدید شد. سعودی‌ها سعی کردند از طریق تسلط خود بر شورای همکاری بر کشورهای عضو، سیطره پیدا کنند؛ به طوری که پیگیر بودند تا شورای همکاری را به اتحادیه تبدیل کنند که در نهایت هم با مخالفت بسیاری از اعضا به ویژه عمان مواجه شدند.

از موارد دیگری که عمان و عربستان در شورای همکاری بر سر آن اختلاف دارند، موضوع ایجاد اتحادیه پولی و تشکیل پول واحد است که کشورهای عمان، کویت و قطر با آن مخالف هستند و به دلیل همین مخالفت‌ها، تشکیل پول واحد تاکنون به نتیجه نرسیده است.

موضوع نیروهای سپر جزیره نیز از موارد اختلافی دو کشور است که در سال 1983 به دنبال نشست وزرای دفاع کشورهای عضو شورای همکاری شکل گرفت. در ابتدا قرار شد این نیرو متشکل از 5 هزار نفر به تناسب جمعیت از کشورهای عضو شورا باشد. در سال 1985، با اعمال فشار از سوی سعودی‌ها قرار شد مقر نیروهای سپر جزیره در حفرباطن عربستان در شمال این کشور و نزدیک مرزهای عراق باشد. کشورهای شورای همکاری در سال 2000 تصمیم گرفتند نیروهای سپر جزیره را از لحاظ کمی و کیفی توسعه دهند و در سال 2002 نیز این نیروها را به 22 هزار نفر برسانند؛ ولی یوسف بن علوی در سال 2005 طی صحبت‌هایی با آن مخالفت و اعلام کرد از آنجا که هدف از تشکیل نیروی سپر جزیره مقابله با تجاوزات و تهدیدهای عراق بوده و عراق هم در حال حاضر از هم فروپاشیده و نظام بعثی از بین رفته است، دلیلی برای بقا و وجود نیروی سپر جزیره وجود ندارد و زمان منحل کردن این نیرو فرا رسیده است. ظاهراً سعودی‌ها با این پیشنهاد موافقت کردند و وزیر خارجه سعودی یک ماه بعد اعلام کرد که دولت عربستان با انحلال نیروی سپر جزیره موافق است.

عربستان به دلیل عدم توفیق در تشکیل نیروی نظامی تحت عنوان سپر جزیره، در سال 2006 پیشنهاد کرد که کشورهای عضو شورای همکاری،



ارتش‌های خود را در هم ادغام و یک فرماندهی مشترک ایجاد کنند. همچنین یک طرح دفاعی مشترک در مقابل تهدیدهای خارجی به ویژه تهدیدهای موشکی (ایران) داشته باشند. عمانی‌ها به طور مشخص با این طرح سعودی مخالفت و تهدید کردند که اگر چنین نیرویی تشکیل شود، آنها به طور مسلم از شورای همکاری خارج خواهند شد. یوسف بن علوی در این باره می‌گوید: «بر اساس تحلیل ما، کسی تشکیل اتحادیه و نیروی مشترک دفاعی را نمی‌پذیرد و ما هنوز احساس می‌کنیم یک کشور ملی هستیم که مسائل مورد علاقه خودمان را داریم و این مسئله شاید برای نسل‌های بعدی قابل اجرا باشد».

مخالفت بن علوی و حمایت کویت، قطر و امارات از آن، پرونده تشکیل نیروهای مشترک را منتفی می‌کند؛ اما در اجلاس کمپ دیوید در آمریکا در سال 2016 که با مشارکت سران شورای همکاری و اوپاما برگزار شد، دوباره بحث سپر دفاع ضد موشکی مطرح شد و به تصویب طرفین رسید. آمریکایی‌ها نیز متعهد شدند سپر دفاعی ضد موشکی را بر اساس دفاع موشک‌های پاتریوت در شورای همکاری مستقر کنند. در سفر اشتون کارتر، وزیر دفاع آمریکا به منطقه این طرح بار دیگر بررسی شد و آمریکا تعهد داد که از آن حمایت کند؛ اما جزئیات کار را منتشر نکردند و تاریخی برای تأمین و اجرای پروژه دفاع ضد موشکی در نظر گرفته نشد.

عمان به هیچ وجه تابعی از متغیر سیاست‌های عربستان در منطقه و شورای همکاری نیست و سعی می‌کند راهی مستقل را پیش بگیرد. همین ویژگی‌ها موجب شد در دنیا اعتباری کسب کند. همچنین عمان تلاش کرد به برجسته‌سازی اختلافاتش با عربستان نپردازد و در مواردی که لازم بود انعطاف زیادی نیز نشان داد و آرامش را حفظ کرد. عمان سعی کرد در مواقع ضروری از ویژگی‌های خود بهره لازم را ببرد. (درویشمند، 1395: 11)



اختلافات عمان و عربستان (اختلافات ارضی و مرزی)

اختلافات ارضی و مرزی عمان و عربستان در منطقه بوریمی» نمود پیدا کرده است. بوریمی یک منطقه مثلثی بین امارات، عمان و عربستان است که در آن سه کشور مرز مشترک دارند. انگلیسی‌ها پس از جنگ جهانی دوم نزدیک بوریمی به منابع نفت دسترسی پیدا کردند. گمان می‌رفت بوریمی منابع عظیم نفتی داشته باشد. به دنبال این تخمین، در سال 1952، نیروهای سعودی این منطقه را اشغال کردند و در سال 1954، نیروهای عمانی و اماراتی به طور هم‌زمان به سعودی‌ها حمله و بوریمی را آزاد کردند. در این زمان، این منطقه مورد طمع انگلیس و آمریکا بوده است. کمک‌های عمان و امارات وابسته به انگلیس بود و از طرف انگلیسی‌ها حمایت می‌شدند. کشور عربستان هم مورد حمایت آمریکایی‌ها قرار داشت. در واقع این جنگ، نزاع بین شرکت‌های نفتی انگلیسی و آمریکایی برای دسترسی به نفت بوده است. بعد از بررسی‌های مفصل، آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها به این نتیجه می‌رسند که برخلاف برآوردهای اولیه، منطقه بوریمی ذخایر گسترده نفتی ندارد. بنابراین، شرکت‌های نفتی انگلیسی و آمریکایی با هم وارد مذاکره شدند و در نهایت تصمیم گرفتند که اختلافات منطقه بوریمی را از طریق سیاسی و مذاکره حل و فصل کنند. به دنبال این تصمیم، سه کشور عربستان، عمان و امارات در سال 1971 به توافق رسیدند که منطقه بوریمی را بین خود تقسیم کنند. حدود 3 روستا در این منطقه به عمان و 7 روستا به امارات واگذار شد و امتیازاتی هم به سعودی‌ها داده شد. علاوه بر این، سعودی‌ها در دهه‌های اخیر به طور غیرمستقیم بارها تمایل خود را برای دسترسی به دریای عرب و عمان از سرزمین‌های عمان یا حضرموت یمن اعلام کرده‌اند. یمنی‌ها و عمانی‌ها همواره این تهدید را احساس می‌کردند که سعودی‌ها درصدد هستند از این طریق به دریای آزاد راه پیدا کنند که در نهایت در اجلاس حفرالباطن در سال 1991 عمان و عربستان تصمیم گرفتند اختلافات مرزی خود را حل و فصل و مرزهای دو



کشور را ترسیم کنند. در یک اجلاس در سال 1995 در عمان، دو کشور نقشه‌های مرزی را ترسیم کردند و کار علامت‌گذاری بعد از آن آغاز شد. به این ترتیب به اختلافات مرزی دو کشور نیز پایان داده شد. اما نیاز عربستان به دریای آزاد و تقویت این حس در سران آل سعود، این نگرانی را ایجاد می‌کند که آل سعود همانند شوروی سابق که با توصیه پترکبیر به دنبال دسترسی به آب‌های آزاد بود، عربستان نیز چنین نگرشی داشته و این تفکر، تهدیدی برای عمان و یمن محسوب می‌شود.

اگرچه عمان و عربستان اختلافات سرزمینی با هم داشته اند، اما نمی‌توان این اختلافات را آنقدر جدی و تاثیرگذار دانست که بتواند بر روابط این دوکشور همسایه سایه افکند. روابط فرهنگی عربی-عربی و تجاری در منطقه بین دوکشور همچنان برقرار است. در ایام حج عمانی‌های اباضی به آسانی از مرزهای امارات به عربستان رفت و آمد می‌کنند. این روابط بسیار درهم تنیده شده و کمتر می‌توان به برهم خوردن آن امیدوار بود. سیاست بدون حاشیه عمان و تعامل مثبت با کشورهای همسایه موجب نوعی روابط پایدار گردیده است. عربستان نیز با این واقعیت کنار آمده که با عمان باید به عنوان یک همسایه رفتار نماید، نه یک مستعمره یا مطیع محض. در مسایل گوناگون شاهد بوده‌ایم که عمان با خواست و سیاست‌های جاه‌طلبانه و زیاده‌خواهانه عربستان در منطقه همراهی نکرده و عربستان نیز مخالفت آنها را پذیرفته است. ناگفته نماند که مردم عمان نیز براین مساله تأکید جدی دارند که حاضر نیستند زیر سلطه کشوری مانند عربستان قرار گیرند و در صورتیکه حمله‌ای از سوی هریک از کشورهای منطقه علیه منافع ملی و سرزمین شان شکل بگیرد، با قاطعیت و شدت تمام به مقابله با آن خواهند پرداخت. (ضیائی، 1396)



اختلافات دینی و مذهبی

زمینه‌های اختلاف با وهابیت از منظر اباضیه (دیدگاه مفتی اعظم عمان در نقد وهابیت) «علامه احمد بن حمد خلیلی» مفتی اعظم اباضیه، در کتاب «وسقط القناع» خود به نقد افکار و اعتقادات وهابیت پرداخته است. (خلیلی، 41:1412) از نظرات وی، نقد بر افکار یکی از رهبران فکری وهابیت یعنی ابن تیمیه است. ابن تیمیه درباره خداوند سخنانی گفته که ظالمان و انکارکنندگان خداوند بیان می‌کنند. بنابراین گناهان کبیره‌ای به وی نسبت داده شده است؛ از جمله سخنان پوچ او درباره ذات اقدس خداوند تعالی این است که «خداوند دارای دست، پا و چشم است». بر این اساس، بسیاری از علما ابن تیمیه را تکفیر کرده‌اند. (همان) همچنین ابن تیمیه در کتاب «الجواهر المنظم فی زیاره القبر الشریف النبوی المکرم» درباره مشروعیت زیارت قبر رسول‌الله (ص) بر این باور است که «سفر به مدینه مکرمه و زیارت مرقد رسول‌الله (ص) حرام است و همه احادیث وارده درباره ثواب و برکات زیارت قبر مطهر ایشان را موضوعی ساختگی دانسته است». برخی از افرادی که پس از ابن تیمیه آمده‌اند، از جمله سبکی و عبدالوهاب از مذهب وهابیت ابن تیمیه پیروی کرده‌اند. (همان)

در بخشی از این کتاب در نقد رفتار آل سعود آورده‌اند که در سال 1199 ق. سعود با هدف غارت و یورش به سمت الخرج حرکت کرد. به او گفتند که کاروانی مملو از اموال خرج و فرع و غیره از احساء در حال عبور است. سعود در منطقه «الثلیمی» نزدیک نهری از منطقه الخرج کمین کرد. قافله‌ای که تشنه بودند، پیاده و سواره به سمت آب حرکت کردند. سعود به سمت آنها یورش برد و آنها را قتل عام کرد. به این رفتار زشت بنگرید که چگونه مردمی که در مسیر خود حرکت می‌کنند، ناگهان مورد حمله این حشویه (حنبل‌ها) شبیه به گفتار قرار می‌گیرند و تنها دغدغه آنها، میکیدن خون مردم، اتلاف جان و گرفتن اموال آنهاست. (همان)



علامه خلیلی در ادامه کتاب خود به بیان انحرافات دیگر مذهب حشویه (حنابله یا وهابیت سعودی) پرداخته و این مطلب که وهابیون بر اساس عقاید خود و استدلال‌هایی که می‌آورند، نقد می‌کند و می‌گوید اینکه بر اساس اعتقاد زشت و نادرست وهابیت، در کتاب قرآن خداوند و سنت رسول الله (ص) خیر وجود ندارد، درست نیست. در حالی که خداوند در کتاب قرآن در آیه 157 سوره انعام، آیه 3 سوره اعراف و آیه 57 سوره یونس می‌گوید: «این کتاب مایه رحمت، برکت و هدایت است. ای مردم! کتاب قرآن موعظه‌ای حسنه و شفاست برای شما و رحمت است برای مؤمنین»، (پیشین، 102)

علامه خلیلی در نقد عقاید وهابیت، با استفاده از استدلال حضرت ابراهیم خلیل الرحمن در برابر بت پرستان در آیات 75 تا 79 سوره انعام می‌گوید: آیا حضرت ابراهیم- امام یکتا پرستان- که با دین وحدانیت حنیف مبعوث شد، به الوهیت و خداوندگاری ستاره، خورشید و ماه اعتقاد داشت؟ یا اینکه می‌خواست به این وسیله، قوم خود را که ستاره، خورشید و ماه را عبادت می‌کردند، متنبه سازد و هنگامی که حجت بر آنها تمام شد و راه درست برایشان روشن گردید، خداوند متعال فرمود «و تلک حجتنا آتیناها ابراهیم علی قومه». بنابراین آن حجت خداوند متعال بود که ابراهیم برای قومش آورد تا آن قوم را متنبه سازد. در ادامه باید اشاره کنم که حشویه (وهابیت) اعتقاد به رؤیت خداوند در جهان آخرت دارند! اعتقاد وهابیت به رؤیت خداوند یکی از مباحث اختلاف وهابیت با اباضیه و سایر فرق مسلمان است. (پیشین، 142)

وهابیت عربستان و وجوه اختلاف با اباضیه عمان

جریان وهابیت از انشعابات مذهب فقهی حنبلی است. وهابیان، پیروان محمد بن عبدالوهاب هستند. شیخ محمد در سال 1115-1206 در شهر عینیه از بلاد نجد متولد شد و فقه حنبلی را نزد پدر تعلیم یافت. (مشکور، 1375: 141) وی در



سفری که برای حج داشت بعد از انجام مناسک در مدینه، استغاثه، استعانت و توسل مردم از رسول الله (ص) پیش قبر او را انکار کرد و گفت: این توسل و استعانت از رسول الله (ص) برخلاف توحید است و فقط باید از خداوند استعانت خواست. وی سپس به بصره و شام رفت و با افکار ابن تیمیه و شاگرد او ابن قیم آشنا شد. شیخ محمد در سال 1106 به درعیه رفت و نزد امیر آنجا، محمد بن سعود مورد احترام قرار گرفت. در آنجا عقاید شیخ محمد به مصلحت مقام محمد بن سعود بود و به همین دلیل از سوی امیر به وی وعده مساعدت و یاری در اشاعه عقایدش داده شد.

شیخ عبدالوهاب در درعیه به مردم تفسیر آموخت و آنها را با اصول مذهب خود آشنا کرد. (همان) پس از آنکه عده‌ای به مذهب او گرویدند، به آنان علیه مردم نجد فرمان جهاد داد و آنان به یاری محمد بن سعود توانستند بر نجد و قبایل ساکن در آنجا غلبه و شهر ریاض را فتح کنند. از آن پس، ریاض پایتخت آل سعود شد. شیخ محمد اداره امور را به عبدالعزیز، پسر محمد بن سعود سپرد و خود به عبادت و تدریس پرداخت تا اینکه در سال 1206 ق. از دنیا رفت. شیخ محمد مفهوم توحید را طوری وضع نمود تا تنها موحد معتقدان به او باشند و دیگران را تکفیر کردند. دو مفهوم توحید و شرک در اعتقادات وهابیت از بنیادی‌ترین مفاهیم است.

بیشتر فرق مسلمان از جمله اباضیان معتقدند هرکس شهادتین بگوید، مسلمان محسوب می‌شود و خون و مالش در امان است؛ اما وهابیت می‌گویند قول بدون عمل فایده‌ای ندارد. بنابراین هرکس شهادتین بگوید، ولی از مردگان استعانت بطلبد، کافر و مشرک است و خون و مال او حلال محسوب می‌شود. وهابیان به پیروی از ابن تیمیه، به ظاهر آیات و روایات عمل می‌کنند و تأویل و توجیه را قبول ندارند. وهابیان در فرع مذهب پیرو احمد بن حنبل هستند و بر هیچ‌یک از مذاهب اهل سنت ایراد نمی‌گیرند؛ ولی پیروان مذاهب دیگر از جمله شیعیان،



اباضیه و... را مورد طعن قرار می‌دهند.

مردم عمان حدود 80 تا 90 سال پیش در درگیری‌هایی که با وهابی‌ها داشتند، دفاع بسیار خوبی از خود کردند و موفق شدند مهاجمان وهابی را به عقب برانند. این موضوع، نوعی تضاد بین آنها و وهابیت ایجاد کرده است که در عرصه‌های سیاسی و نوع رابطه با عربستان هم منعکس شده است. (مهدوی‌جو، 1394: 15) ویژگی منحصر به فرد عربستان این است که خاستگاه نشو و نمای وهابیت در جهان است؛ همان‌طور که عمان این ویژگی انحصاری را در فرقه اباضیه از آن خود کرده است. پیدایش و رشد وهابیت از عربستان بوده است. می‌توان عربستان را رهبر وهابی و عمان را رهبر اباضیه در جهان اسلام دانست. حکومت وهابی عربستان دقیقاً در سال 1744 م که حکومت آل بوسعید در عمان تشکیل شد، شکل گرفته و تفاوت آنها در این است که حکومت سعودی دوبار سرنگون و بار دیگر احیا شد؛ اما حکومت آل بوسعید استمرار داشت. ساختار حکومت در عربستان ساختار ویژه‌ای است. این ساختار ترکیبی از سیاست اعمال‌شده توسط خاندان آل سعود و وهابیت (توسط روحانیون وهابی) است؛ درحالی‌که ساختار حکومت عمان، سلطنتی مطلقه است.

مقاومت عمان در برابر دشمنی‌های عربستان با ایران

زمانی که سعودی‌ها شمشیر را از رو علیه ایران بستند و سعی کردند دنیا و کشورهای منطقه را علیه ایران بسیج کنند و تحریم‌ها را شدت بخشند، عمانی‌ها برخلاف آنان همواره سیاست مداراجویانه و دوستانه‌ای در مقابل جمهوری اسلامی داشتند و روابط اقتصادی خود را با ایران، روز به روز گسترش دادند. البته این روابط، قابل مقایسه با روابط ایران با امارات نبود؛ اما روندی را که عمانی‌ها داشتند، باید مورد توجه قرار داد. با توجه به سوابق روابط با عمان، نه تنها هیچ کاهشی در روابط اقتصادی با این کشور رخ نداد، بلکه روابط رسمی و

غیررسمی تجاری با این کشور افزایش یافت. ایران با عمان در زمینه امنیتی توافق‌نامه امضا کرده است و طی سال‌های گذشته بارها نیروهای امنیتی، نظامی و دریایی دو کشور، مانورهایی با حضور افسران ناظر یکدیگر برگزار کرده‌اند که در منطقه بی‌سابقه است.

این روابط به اندازه‌ای بوده است که نیویورک تایمز در گزارشی در سال 1388 می‌نویسد: «عمانی‌ها به دلیل واقع‌گرا بودن در سیاست خارجی خود، ارزش همسایه خود یعنی ایران را می‌شناسند و به قدرت سیاسی و اقتصادی ایران پی برده‌اند. آنان نادیده گرفتن این کشور را خطر بزرگی برای خود می‌پندارند و هم‌زمان با گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران، روابط خود را با آمریکا نیز توسعه بخشیدند. این امر، ظرافت عمانی‌ها را نشان می‌دهد که در کنار توسعه روابط با ایران به روابط خود با آمریکا و انگلیس و کشورهای غربی ادامه داده‌اند. ایرانی‌ها نیز با درک موقعیت خود و ویژگی‌های سوق‌الجیشی عمان، از وضعیت عمان برای خنثی کردن تحریم‌ها در حد ممکن استفاده کرده‌اند». نیویورک تایمز اضافه می‌کند که «مردم عمان از ایران نمی‌ترسند و معتقدند که رفتارهای عربستان برای عمان خطرناک‌تر از ایران هسته‌ای است».

مقاومت عمان در برابر دشمنی‌های عربستان با سوریه

اختلاف دیگر دو کشور عمان و عربستان در مورد سوریه است. جایگاه سوریه در سیاست خارجی عربستان و تلاش‌های این کشور برای نابودی حکومت علوی اسد در سوریه روشن است. عمانی‌ها برخلاف سعودی‌ها، هیچ‌گاه روابط خود را با سوریه قطع نکردند و سفارت عمان در سوریه همواره فعال بوده و هست. آقای یوسف بن علوی در آبان 1394 در سفری به سوریه، با بشار اسد دیدار کرد. در این دیدار، از طرح‌های سوریه برای پایان بخشیدن به تروریسم حمایت کرد و گفت برای اینکه بتوان مشکل سوریه را از طریق مسالمت‌آمیز حل



و فصل کرد ابتدا باید تروریسم سرکوب شود. بن جبیر، وزیر خارجه عربستان، بعد از این دیدار به فاصله 10 روز به عمان سفر کرد. گفته می‌شود مأموریت بن جبیر این بود که به عمان درباره حفظ مصالح کلی شورای همکاری تذاکر دهد. وی در مصاحبه پایانی سفر خود به مسقط اعلام کرد که ریاض تنها راه حل بحران سوریه را برکناری بشار اسد می‌داند.

عمانی‌ها درباره اوضاع سوریه از ایران نیز دفاع کردند. یوسف بن علوی در مصاحبه‌ای گفت که ادعای مشارکت ایران در قتل ملت سوریه دروغ است. طرف‌های خارجی بسیاری در بحران سوریه نقش دارند. پس آیا این موضوع به این معناست که چچنی‌ها اجازه ورود به سوریه و جنگیدن با آن را دارند و به ایرانی‌ها این اجازه داده نمی‌شود؟ این تفکر، اشتباه است. ایران کشور بزرگی است و حق دارد روابط خود را با دیگران حفظ کند. اواخر سال 1394 نیز شیخ احمد بدرالدین حسون، مفتی سوریه، به عمان رفت و با آقای فهد بن محمود آل سعید، معاون نخست‌وزیر که نفر دوم عمان محسوب می‌شود و یوسف بن علوی و عبدالله سامی، وزیر اوقاف، دیدار کرد. وی دیداری هم با احمد خلیلی، مفتی اعظم عمان داشت که در این دیدار، از حمایت‌های عمان از سوریه تشکر کردند. (درویشوند، 1394: 14)

مقاومت عمان در برابر دشمنی‌های عربستان با یمن

یکی دیگر از اختلاف دیدگاه‌های عربستان و عمان درباره موضوع یمن است. عربستان در فروردین 1394، بدون اعلام قبلی به یمن حمله و اعلام کرد که ائتلافی شامل 9 کشور از جمله اعضای شورای همکاری خلیج فارس (بجز عمان)، با این کشور متحد شدند. امارات، کویت، قطر، بحرین، مغرب، اردن و سودان از جمله این کشورها هستند. تنها کشوری که بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به این اتحاد نپیوست، عمان بود. در مقابل فشارهایی که



سعودی‌ها بر عمان وارد کردند و یک جنگ رسانه‌ای علیه این کشور راه انداختند، عمانی‌ها در جواب وانمود کردند که می‌خواهیم پل ارتباطی بین برادران باشیم و اگر وارد این جنگ شویم، چه کسی نقش مثبت میانجی‌گری را در این بین ایفا کند؟! همواره در طول تاریخ کسانی بودند که جنگ را به صلح تبدیل کردند و ادعای عمانی‌ها عهده‌داری همین نقش بود. واقعیت این است که عمان تنها منفذ برای یمنی‌ها یعنی انصارالله و حزب کنگره بود و در نهایت، دیدارهای مختلفی در عمان و مذاکراتی بین طرفین درگیری صورت گرفت.

مقاومت عمان در برابر دشمنی‌های عربستان با بحرین و لبنان یکی دیگر از نقاط اختلاف بین عمان و عربستان در مورد بحرین است. سعودی‌ها با حمایت همه‌جانبه از آل خلیفه، در نهایت برای حفظ این رژیم با نیروی نظامی وارد بحرین شدند و سایر کشورهای شورای همکاری نیز حتی به صورت سمبلیک تعدادی نیرو فرستادند. تنها کشوری که همراه نیروهای سپر جزیره وارد بحرین نشد، عمان بود.

همچنین فشارهایی که سعودی‌ها به حزب‌الله لبنان اعمال می‌کنند، مورد تأیید عمان نیست و عمانی‌ها خود را از این موضع کنار کشیدند. به‌رغم اینکه تصمیم‌های شورای همکاری و اتحادیه عرب را امضا کردند و در کنفرانس اسلامی هم به امضای مصوبات پرداختند، هیچ گزارشی از ورود عمانی‌ها به معارضه با لبنانی‌ها مشاهده نشده است. (پیشین، 16)

عمان و نقش‌آفرینی در محور مقاومت

درک سیاست خارجی عمان بدون آگاهی از سیاست داخلی این کشور، درکی تک‌بعدی خواهد بود و برای آگاهی از سیاست داخلی این کشور ضرورت دارد نگاهی به ساختارهای سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی آن بشود. مادامی که



شناختی از وضعیت داخلی این کشور انجام شود فهم تنگناها، ابعاد، زمینه‌ها و چرایی سیاست خارجی عمان مبرهن خواهد شد.

همانطور که پیشتر نیز بیان گردید، ماهیت حکومت عمان، سلطنتی مطلقه است و همه امور در شخص سلطان خلاصه می‌شود. امور جاری این کشور، طبق فرامین صادره از سوی سلطان اداره و هدایت می‌شود و همه چیز قائم به ذات سلطان است. همچنین همه قوانین و تصمیم‌گیری‌های مهم با فرمان سلطان صادر می‌شود و همه آنها لازم الاجرا هستند. قوانین، احکام و فرمان‌ها از جانب شخص سلطان به تصویب می‌رسند. پیمان‌ها، قراردادهای منشورهای بین‌المللی پس از تأیید و امضای سلطان به طور رسمی اعلام می‌شوند. سلطان در تصمیم‌گیری‌های خود از مشورت با وزرا (شورای وزیران) و نمایندگان مجلس (مجلس شورا و مجلس سنا) بهره می‌گیرد. (یگانه، 66:1391)

اباضیان به رغم تعداد اندک، تا امروز در عمان و شمال آفریقا تداوم یافته‌اند و از روزگار امویان تاکنون حکومت مستقل از دارالخلافه داشته‌اند. دین و سیاست عملاً از هم جدا شده‌اند و حکومت در دوره‌ای از طریق امام و گاهی از طریق سلطان اداره می‌شد و در دوره معاصر نیز حکومت آن، سلطنتی مطلقه است. (معمر، 68:1370)

نقش‌آفرینی به منظور حل بحران سوریه

پس از آغاز بحران داخلی سوریه و شکل‌گیری جنگ داخلی در این کشور (که با گذشت اندک زمانی مشخص شد با برنامه‌ریزی‌های گسترده قبلی صورت گرفته است) برخی از کشورهای منطقه با محوریت عربستان، ترکیه و قطر در تلاش برای نامشروع جلوه دادن نظام بشار اسد، هرگونه روابط دیپلماتیک خود با این کشور را قطع کردند. این تلاش‌ها تا جایی ادامه پیدا کرد که عربستان سعودی و امارات به طور رسمی از اتحادیه عرب درخواست کردند از دولت سوریه برای

شرکت در نشست‌های رسمی این نهاد بین‌المللی دعوت نشود. به رغم نقش چشم‌گیر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای به حاشیه راندن دولت و مردم سوریه، کشور عمان به عنوان بازیگری مطرح و انکارناپذیر در صحنه خلیج فارس، با آنها همراهی نکرد. در این راستا، عمان به صورت رسمی از وزیر خارجه سوریه برای حضور در خاک خود دعوت کرد و ابایی از رسانه‌ای شدن این دعوت نیز نداشت.

پادشاهی عمان از روزهای آغازین بحران سوریه، مخالف اقدامات مسلحانه برای براندازی دولت سوریه بود و به حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران سوریه تمایل داشت. در همین راستا و برخلاف سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، سفارت این کشور همچنان در دمشق باز بود و به فعالیت خویش ادامه می‌داد. ضرورت یافتن راه‌حلی سیاسی برای جنگ داخلی سوریه در مذاکرات بین مقامات دو کشور نیز از طرف یوسف بن علوی، وزیر خارجه عمان، مورد تأکید قرار گرفت. با این حال، موضوع میانجی‌گری عمان در بحران سوریه با سفر ولید معلم، وزیر خارجه سوریه، به مسقط کلید خورد. در اوایل آگوست 2015، روزنامه‌های عربی مدعی شدند نشست سه‌جانبه‌ای بین وزرای خارجه سوریه، ایران و عربستان سعودی در مسقط برگزار شده است و مقامات ایرانی در سفر ولید معلم به تهران، وی را به یافتن مفری برای خروج از بحران با کمک‌گیری از عمان ترغیب کرده‌اند. به نظر می‌رسد عمان که سابقه مبارزه با گروه‌های شورشی (جنبش ظفار) را در کارنامه خود دارد، به فهم مشترکی با دولت سوریه در لزوم مبارزه با گروه‌های تروریستی و حفاظت از استقلال و تمامیت ارضی این کشور رسیده و توانسته اعتماد مد نظر سوری‌ها برای حل و فصل این بحران را جلب کند. از طرف دیگر، اقدامات تروریستی داعش در سوریه و عراق، امنیت عمان را مانند سایر کشورهای عربی مورد تهدید قرار داده و این کشور را به میزبانی هیئت‌هایی از هر دو طرف بحران سوریه ترغیب کرده



است. به رغم رایزنی‌ها و نشست‌های مختلفی که بین قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی درگیر در بحران سوریه تدارک دیده شده، اختلاف نظرها درباره سرنوشت بشار اسد و آینده رژیم سوریه همچنان پابرجاست.

سفر وزیر امور خارجه عمان به سوریه در 26 اکتبر 2015 (مصادف 4 آبان 1394) و ملاقات وی با بشار اسد، رئیس‌جمهوری کشور بحران‌زده سوریه، صفحه جدیدی از تلاش‌های میانجیگرانه عمان در بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را گشود. اهمیت این سفر به جهات گوناگون از قبیل سفر یکی از وزرای خارجه شورای همکاری خلیج فارس به سوریه، مداخله نظامی روسیه در سوریه و آماده شدن این کشور برای انتخابات پارلمانی و ریاست‌جمهوری اهمیت دارد. سفر بن علوی به سوریه ضربه دردناکی به سیاست‌های ضد سوری شورای همکاری خلیج فارس به سبب سلطه کامل رژیم عربستان بر این نهاد است که از زمان آغاز بحران سوریه، با فشارهای سعودی‌ها، روابط اعضای این شورا جز عمان با دولت سوریه قطع شد. البته اخباری از تحرک برخی اعضای شورای همکاری برای ازسرگیری روابط با دمشق در سایه خشم و عصبانیت ریاض در محافل منطقه‌ای نیز مطرح شده است. تأکید بن علوی بر پای‌بندی عمان به وحدت سوریه و ثبات آن و انجام هر گونه تلاش برای حل نهایی بحران سوریه از راه سیاسی و مسالمت‌آمیز، بر خشم و عصبانیت مقامات سعودی به ویژه وزیر خارجه بی‌تجربه این رژیم افزوده است. (جابری انصاری، 1395: 45)

به رغم اینکه عمان یکی از متحدان ایالات متحده در ساحل جنوبی خلیج فارس به شمار می‌رود، رویکرد متفاوتی از سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس نسبت به مسائل مهم منطقه‌ای از جمله بحران سوریه اتخاذ کرده و از روابط نزدیک با حامی اصلی بشار اسد (جمهوری اسلامی ایران) بهره‌مند است. نتیجه‌بخش بودن میانجی‌گری مسقط در مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه 5+1، مزید بر علت شده است تا این شیخ‌نشین به دنبال ایفای نقشی منحصر به فرد در



مسائل خاورمیانه در قالب دیپلماسی میانجی‌گری باشد. حفظ تعادل در روابط با دولت سوریه و حامیانش در یک طرف و ائتلاف عربی و غربی در طرف دیگر، از ویژگی‌های بارز دیپلماسی میانجی‌گری عمان است. (نیکخواه، 1395: 65)

نقش آفرینی به منظور حل بحران یمن

پس از فرار عبدربه منصورهادی از صنعا به عدن، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به درخواست و فشار عربستان، سفارت‌شان را به عدن منتقل کردند؛ اما عمان با اتخاذ سیاستی مستقل از ریاض، سفارت خود را در صنعا باقی گذاشت. با شروع جنگ، عمان تنها کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس است که در ائتلاف کشورهای عربی حمله‌کننده به یمن به رهبری سعودی‌ها شرکت نکرد و به درخواست عربستان برای پیوستن به این ائتلاف، پاسخ منفی داد.

بعد از آغاز جنگ سعودی و محاصره یمن، عمان تنها منفذ برای یمنی‌ها یعنی انصارالله و حزب کنگره بود. نقش میانجی‌گرانه عمان، برای حل بحران غیرانسانی که عربستان سعودی در یمن ایجاد کرد، واضح و مشهود است. در این زمینه، عمان بارها با رد هرگونه تلاش برای مداخله خارجی در یمن، آمادگی خود را برای برگزاری گفت‌وگوهای یمنی - یمنی اعلام کرد که عربستان سعودی به شدت از آن گریزان بود. ولی در نهایت، دیدارهای مختلفی در عمان انجام شد و مذاکراتی بین طرفین درگیری صورت گرفت. تلاش‌های دیپلماتیک چندین کشور و در صدر آنها، عمان برای توقف جنگ عربستان علیه یمن به نوعی به هماهنگی بین گروه‌های درگیر در این کشور انجامید و مشاوره‌ها و گفت‌وگوهای مفیدی بین طرف‌های درگیر یمنی صورت گرفت. تلاش‌های بسیاری که دولت عمان در این راستا انجام داد، موجب شد که گروه‌های یمنی در راستای این تلاش‌ها به نوعی تفاهم مشترک برای حل سیاسی این بحران دست یابند.



عمان با هدف نجات یمن و تحقق صلح و ثبات در این کشور و حل و فصل آن طرح کاملی ارائه داد که شامل هفت بند است:

1. عقب‌نشینی انصارالله و نیروهای علی عبدالله صالح از تمامی شهرهای یمن و تحویل تمامی سلاح‌ها و تجهیزات نظامی که از انبارهای ارتش در اختیار گرفته‌اند.
2. بازگشت قدرت به دولت یمن و عبدربه منصور هادی، رئیس‌جمهوری آن؛
3. تسریع در برگزاری انتخابات پارلمانی و ریاست‌جمهوری؛
4. توافق با دولت جدیدی که شامل تمامی مردم و احزاب یمنی باشد.
5. انصارالله به حزبی سیاسی تبدیل شود و از راه‌های قانونی در عرصه سیاسی فعالیت داشته باشد.
6. برگزاری کنفرانس بین‌المللی اهداکنندگان با هدف کمک به اقتصاد یمن و اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری؛
7. ارائه پیشنهاد عضویت یمن در شورای همکاری خلیج فارس.

در واقع، مذاکرات عمان راه را برای مذاکرات قبلی اروپا و مذاکرات فعلی در کویت بین طرف‌های درگیر یمنی باز کرد و مذاکرات مستقیمی بین سعودی‌ها و نیروهای انصارالله یمن صورت گرفت. عمانی‌ها بی‌تمایل نیستند که در بحران یمن مداخله‌ی صلح‌جویانه کرده و به آن خاتمه دهند. زیرا پایان جنگ و درگیری در منطقه و برقراری صلح و آرامش، منافع آنها را نیز تامین خواهد کرد. (مشهدی، 12:1394) اما این مساله را باید به طور جدی در نظر داشت که عمانی‌ها حاضر نیستند در این بحران به سود یمنی‌ها وارد شده و با عربستان سعودی مقابله کنند. در کل، سیاست تاریخی عمانی‌ها عدم مداخله در امور دیگران با رعایت اصل بی‌طرفی بوده است. بنابراین عمانی‌ها هیچ‌گاه حاضر نخواهند شد روابط دیرینه خود با عربستان را تحت‌الشعاع حمایت از انصارالله یمن قرار دهند. اما آنچه که در راستای ایجاد صلح و خاتمه دادن به درگیری بین طرفین باشد، با سیاست و خواست عمانی‌ها منطبق بوده و از هرگونه کوششی در



این راستا دریغ نخواهند کرد. (ضیائی، 1396)

زمینه‌های روابط دوستانه ایران با عمان

عمان و ایران به دلایل تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی و سرزمینی اشتراکات بسیاری برای همکاری دارند. اما مهم، شناختن این اشتراکات و همچنین اولویت قرار دادن نیازهای روز و خواست مردم دو کشور است. اگرچه مردم عمان به لحاظ جغرافیایی، ملیت، زبان و فرهنگ در منطقه عربی قرار گرفته‌اند و به ظاهر سنخیتی با ایران و فرهنگ فارسی ندارند، اما هیچ‌گاه و در هیچ برهه‌ای از تاریخ چند صدساله، از فرهنگ ایران و ارتباط با ایران فاصله نگرفته‌اند. عمانی‌ها معتقدند که از فرهنگ ایران خصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی تأثیرات مثبت زیادی گرفته‌اند و این برایشان نه تنها نگران‌کننده نیست، بلکه از آن استقبال هم می‌کنند. بنابراین می‌توان در این مقطع تاریخی در مقوله فرهنگ و ارتباطات فرهنگی پروژه‌های مشترکی را تعریف و به اجرا گذارد تا مردم دو کشور نسبت به فرهنگ یکدیگر شناخت بهتر و ژرف‌تری پیدا نمایند. در حوزه اقتصادی و فرهنگی کم‌کاری‌هایی وجود دارد و باید بیش از این با عمان کار کرد و به رونق اقتصادی ایران افزود و در راستای تعاملات مثبت و اعتمادسازی تجاری و بازرگانی و توسعه روابط اقتصادی هوشمندانه گام برداشت. هوشمندانه به این معنا که کارها و همکاری‌ها با نظارت دولت باشد و بخش‌های سودجوی اقتصادی این روابط سالم اقتصادی و فرهنگی را تخریب نکنند. کار نکردن در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی دست‌کم زمینه‌های تاریخی، روابط دوستانه دو ملت را در سطحی که هست، تضمین می‌کند اما اگر کارهای فرهنگی و اقتصادی به شیوه بدی آغاز شود، زمینه‌های تاریخی و روابط سابق هم از بین می‌رود؛ همچنان که روابط ایران با بسیاری از کشورهای آسیای میانه به علت بدرفتاری و بدعهدی برخی از تجار ایرانی دچار چالش‌های جدی شد و جایگزین روابط



تجاری ایران با آسیای میانه، ترک‌ها بودند که توانستند جای ایران را پر کنند. در مقوله قرآن از آموزش قرآن به روش‌ها و سبک‌های نوین و دیجیتالی مانند قلم‌های آموزشی قرآنی، آموزش قرآن برای کودکان، نوجوانان و جوانان در سطوح مختلف گرفته تا ایجاد جوامع قرآنی و مؤسساتی که بتوانند زیبایی‌های قرآن را برجسته نموده و جاذبه‌های آن را خوب و وزین معرفی نمایند، می‌تواند در دستور کار قرار گیرد.

در زمینه تجارت و بازرگانی بین بخش‌های خصوصی با حمایت دولت‌ها نیز ایران مزیت‌های خوبی در میوه، تره بار، پسته و زعفران برای صادرات به بازارهای عمان دارد. اما متأسفانه علیرغم اینکه کارهای خوبی انجام می‌شود، جای کار بسیاری دارد که نباید غفلت شود. (همان)

در خصوص روابط علمی، عمده رویکرد عمان در حوزه‌های مهندسی و فناوری اطلاعات به سمت غرب از جمله اتریش، آلمان و هلند است و روابط عمیقی بین مراکز علمی عمان با این کشورها در جریان است. باید زمینه‌هایی را فراهم کرد تا از طریق دانشگاه تهران و سایر دانشگاه‌ها بتوان با مراکز علمی عمان از جمله تبادل دانشجو، ارتباط برقرار کرد. یکی از زمینه‌هایی که عمانی‌ها از آن استفاده می‌کنند و سفرهایی هم به ایران دارند در زمینه توریسم پزشکی است. توریسم پزشکی مانند جراحی‌های زیبایی و تزیینی و داندانپزشکی یکی از پردرآمدترین منابع جهانگردی ایرانی‌ها از محل عمانی‌هاست. (همان)

عمان به دلیل شرایط خاص خود، نتوانسته است همانند دیگر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به لحاظ اقتصادی، رشد و توسعه شهری و زیر ساخت‌های صنعتی و... داشته باشد. بنابراین از سال 2000 که نفت این کشور ملی گردید و برنامه‌ریزی‌هایی برای رشد و شکوفایی تنظیم نمود، می‌توان گفت در یک بازه زمانی تقریباً 20 ساله رشد چشمگیری را تجربه خواهد کرد. علیرغم این مسایل، قدرت پول عمان در جهان بسیار خوب و جزو چند پول قدرتمند



(سومین پول قدرتمند)، است. با این توضیحات نتیجه ای که حاصل می شود این است که ایران باید برای آینده روابط اقتصادی و تجاری با این کشور همسایه برنامه ریزی درازمدت داشته باشد. زمینه های صدور محصولات کشاورزی و باغی، توریسم پزشکی، امور فرهنگی و به خصوص گردشگری از جمله حوزه های همکاری را تشکیل می دهند. (دهقان، 1396)

جنگ انصارالله با عربستان: سود عمان؟ نقش عمان در حمایت از انصارالله؟ اینکه گفته شود عمان از نبرد انصارالله با عربستان سود می برد، به عبارتی حرف درستی است. زیرا عربستان به دنبال زیاده خواهی و توسعه طلبی در شبه جزیره است. البته تنش و جنگ در منطقه هم راستا با سیاست های بی طرفانه عمان هماهنگ نبوده و به سود این کشور نیست. عمان در سایه آرامش و امنیت است که کشوری آرام و از حاشیه ها و تنش های منطقه ای بیرون است. اما اگر تصور براین باشد که عمانی ها بخواهند از جنبش انصارالله حمایت کرده و در برابر عربستان صف آرای کنند، تصویری بعید و حتی محال به نظر می رسد. عمان و عربستان در زمینه های مختلفی دارای روابط و تبادل هستند که اگر از جنبه هزینه - فایده هم به آن نگاه کنیم، عمان حاضر نخواهد شد که با عربستان به خاطر انصارالله وارد تخاصم و تنش شود. مگر شرایطی بوجود آید که روابط دو کشور را مانند قطر و عربستان دچار تنش های جدی کند که باتوجه به طبع، منش و سیاست تعاملی و ملایم حاکمیت عمان، چنین مساله ای نیز مدیریت خواهد شد. (همان)

عمان کشوری است که با همسایگانش علیرغم اختلافاتی که داشته در حسن همجواری و تعامل بسر می برد و خواهان وجود صلح آرامش در منطقه است. از طرفی دیگر این کشور محل حضور سیاسی و نظامی آمریکا و انگلستان است. همین مساله موجب می شود که عمان سیاست بی طرفی و عدم دخالت در امور دیگران به خصوص همسایگان را ادامه دهد. منافع دول غربی حاضر در عمان و نیز دولت این کشور در استمرار ثبات و صلح است. بنابراین نمی توان هیچ



ظرفیتی برای این کشور در حمایت از انصارالله یمن و تقابل را عربستان متصور بود. (همان)

روابط عمان با آمریکا و انگلیس، روابطی طولانی مدت و دامنه دار در حوزه های نظامی، سیاسی، اقتصادی و... است. مشی سیاست خارجی عمان نیز پرهیز از تنش و عدم مداخله در امور دیگران و جانبداری از یک کشور در برابر کشوری دیگر در بحران هاست. اگرچه فی نفسه عمان از اینکه عربستان به هر صورتی تضعیف شود، سود می برد. اما این مساله دلیل براین نیست که عمان حاضر شود روابطش را به خاطر انصارالله یمن ایران با عربستان برهم بزند. خصوصا اینکه دول غربی حاضر در این کشور، به نوعی موضوع را مدیریت خواهند کرد تا عمان از چرخش کامل به سمت ایران خودداری کند. (افشاری، 1396)

عمان و روابط مثبت با آمریکا و انگلستان: اعتماد ایران به عمان

روابط ایران و عمان تاکنون روابطی دوستانه و به دور از حاشیه و تنش بوده است. اگرچه در برخی مواقع مانند جنگ تحمیلی چرخش هایی در سیاست های عمان مشاهده شده، اما به طور کلی روابط مثبت دو کشور، الگویی برای دیگر کشورها بوده است. عمان نیز در حمایت از سیاست ها و اقدامات ایران در منطقه با ارایه «وجهه بی طرفانه»، در مواقع مختلف و متعدد نقش آفرینی کرده است. تاکنون نیز مشاهده و یا شنیده نشده است که عمان و دولتمردان این کشور مبادرت به فاش نمودن اطلاعات ایران به قدرت های فرامنطقه ای کرده باشند. به عبارت بهتر عمان رازهای مطرح شده بین این کشور و ایران را همچنان محفوظ نموده و جایگاه خوبی در نظر دولتمردان ایران بدست آورده است.

نقش عمان در منطقه و روابطش با غرب و ایران به عنوان پل ارتباطی بین دوطرف بوده است که علاوه بر پل ارتباطی، در نزدیک کردن دیدگاه های دوطرف و حتی در مواقعی در پیدا کردن راه حل برای پایان دادن به برخی از تنش ها مانند آزاد



نمودن زندانیان غربی در بند ایران و همچنین آزاد نمودن زندانیان ایرانی در بند غرب، تلاش‌های مثبت و منتج به نتیجه مرضی الطرفین داشته است که هر دو طرف غربی و ایرانی خواهان برقرار ماندن این نقش و جایگاه برای عمان بوده، هستند و خواهند بود. بنابراین به نظر می‌رسد، دارا بودن روابط دوگانه عمان با غرب و ایران و ایفای نقش در این زمینه، خواست دوطرف است. (ضیائی، 1396)

مستشاران انگلستان و آمریکا در عمان در بسیاری از بخش‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی حضور داشته و فعال هستند. این حضور به گونه‌ای است که عمان به آنها نیازمند و وابسته است. بنابراین نمی‌توان تصور کرد که عمان کشوری است که صرفاً با جمهوری اسلامی ایران دارای روابطی مثبت و تاریخی است. این مساله نشان می‌دهد که عمان با دادن پایگاه به قدرت‌های غربی، به نوعی برای خود حاشیه امنی ایجاد کرده و بر این حضور و همکاری حساب کرده است. جزیره مصیره نیز که در قسمت جنوب شرقی شبه جزیره عربستان و در مقابل سواحل عمان قرار دارد، از موقعیت بسیار مهمی برخوردار بوده و از دیرباز پایگاه نظامی انگلیس بوده است، خود گواه این مدعاست. (افشاری، 1396) وجود کشوری به نام عمان در همسایگی ایران و اتخاذ سیاست‌های عقلانی طی چهار دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برای ایران یک فرصت است که برای استفاده از این فرصت باید برنامه ریزی کرده و راهبرد تنظیم شود. روابط ایران و عمان علیرغم فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای قطع و یا کاهش، همچنان پابرجاست. بنابراین ایران باید به عمان به عنوان یک هم پیمان و همکار در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی نگاه کند. (دهقان، 1396)

در این ارتباط ذکر این نکته ضروری است که اگرچه عمان تاکنون به صورت غیر علنی و غیر مستقیم، حامی، همکار و رازدار ایران در پرونده‌های مختلف بوده است، اما به مصداق حدیثی از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام که می‌فرمایند: «با دوستان، آنقدر دوستی کن و رازت را برایشان بازگو که اگر روزی



دشمنت شدند، نتوانند ضربه‌ای به تو بزنند و همچنین در دشمنی با دشمنان»، در روابط با هر کشوری حتی عمان، جانب احتیاط را باید رعایت نمود.

انتخاب عمان در صورت حمایت ایران: سوریه یا عربستان؟

تاکنون سعی و تلاش عمان این بوده است که در بحران سوریه اگرچه بحرانی خارج از منطقه خلیج فارس است، مداخله مثبت به منظور ترک مخاصمه بنماید. خاتمه بحران سوریه و پایان دادن به جنگی چند ساله خواستی منطقی و بشردوستانه است. برخی تصورشان این است که اگر جمهوری اسلامی ایران همان حمایتی که از سوریه در بحران جاری به عمل آورد، از عمان نیز به عمل بیاورد، عمان حاضر خواهد شد که به عربستان پشت کرده و با این کشور وارد درگیری شود. این تصور از اساس، تصویری غلط است. همانگونه که پیش تر نیز اشاراتی شد، عمان و عربستان دو کشور همسایه هستند که تعاملات و تبادلات متعددی در زمینه‌های مختلفی دارند و هر دو کشور از این روابط سود می‌برند. بنابراین کاملاً اشتباه است اگر تصور کنیم که عمان حاضر خواهد شد در صورتی که از او حمایت شود و یا توسط عربستان تحت فشار قرار گیرد، به ایران روی آورده و تحت حمایت ایران با آن کشور وارد درگیری شود. دوکشور روابط درهم تنیده‌ای دارند که به آسانی برهم نخواهند زد. (ضیائی، 1396) سلطان قابوس به عنوان فردی با تجربه و نقش‌آفرین در مشکلات، تنش‌ها و بحران‌های منطقه‌ای و تلاش در راستای حل آنها با بازیگری به عنوان میانجی که موفق هم بوده است، تلاش‌هایی را به منظور پایان دادن به بحران سوریه انجام داده است. اما این تلاش‌ها هم راستا با سیاست اصولی این کشور یعنی بی طرفی و عدم مداخله بوده است. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت عمان از نقش و سیاستی که چند دهه است اتخاذ کرده و در اجرای آن نیز موفق هم بوده است، به یک باره دست برداشته و با عربستان به مخالفت علنی و تقابل بپردازد. به نظر می‌رسد



همین سیاستی که تاکنون کشور عمان با سلطنت سلطان قابوس دنبال نموده برای جمهوری اسلامی ایران بهترین حمایت است. (ضیغمی، 1396)

اشتراکات اقتصادی ایران و عمان

اقتصاد عمان تاحد زیادی متکی به درآمدهای نفتی است. در حال حاضر برابر آمارهای موجود 68 درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را عایدات نفتی تشکیل می‌دهد. با فرمان سلطان قابوس چشم‌انداز 2020 برای اقتصاد عمان تهیه گردیده است. این چشم‌انداز 25 ساله از پایان اولین مرحله برنامه توسعه‌ای عمان یعنی (1970-1995) آغاز و در راستای حفظ و تامین رشد و رفاه عمان اهداف بلندمدتی را دنبال می‌کند. موافقت نامه تجارت آزاد با آمریکا که ژانویه 2009 رسمیت یافته، موانع تعرفه‌ای کلیه کالاهای مصرفی و صنعتی را رفع نموده و حمایت قوی از سرمایه‌گذاری تجاری خارجی را در عمان تامین می‌کند. شرکای مهم تجاری عمان؛ امارات، ژاپن، ایتالیا، عربستان، انگلیس، آمریکا، چین و کره جنوبی هستند (سهم ایران در مبادلات تجاری با عمان کمتر از یک درصد است).

راهبردهای کلان عمان؛ ثبات اقتصادی و مالی، تغییر نقش دولت در اقتصاد و گسترش مشارکت بخش خصوصی (راهبرد خصوصی‌سازی)، متنوع‌سازی منابع درآمد ملی، جهانی‌سازی اقتصاد عمان (عمان در اکتبر 2000 میلادی به سازمان تجارت جهانی ملحق شده است)، ارتقاء مهارت نیروی کار عمان و توسعه منابع انسانی است. برنامه هفتم توسعه عمان شرایط بسیار مناسبی را برای سرمایه‌گذاران خارجی پیش بینی کرده است. مجتمع «دهکده دانش» در مسقط جهت توسعه ظرفیت‌های فناوری شرکت‌های عمانی با تشریک مساعی مؤسسات ژاپنی و آلمانی تأسیس و گسترش یافته است. شهروندان عمانی از استانداردهای مناسب معیشتی برخوردارند، با این حال به دلیل ذخایر محدود نفتی، آینده نامطمئن را درپیش رودارند. (دهقان، 1396)

عمان دارای ذخائر نفتی اثبات شده نفت به میزان 5/5 میلیارد بشکه می‌باشد که این کشور را در رتبه بیست و چهارم در بین کشورهای نفت‌خیز قرار می‌دهد. ذخایر گازی اثبات شده عمان 849/5 میلیارد مترمکعب می‌باشد و بدین لحاظ در رتبه 28 کشورهای جهان قرار دارد. (ضیغمی، 1396)

کشاورزی و صنعت تنها یک درصد از درآمدهای صادراتی عمان را دربرمی‌گیرد، اما تنوع درآمدی یکی از اولویت‌های دولت عمان است. بیشترین محصولات کشاورزی عمان؛ خرما، لیموترش، حبوبات و سبزیجات است ولی باتوجه به مساحت یک درصدی زیرکشت اراضی، همچنان یک واردکننده تمام عیار محصولات غذایی است. (همان)

ایران و عمان در طول تاریخ چندصد ساله همسایگی، دارای اشتراکات بسیاری در زمینه‌های مختلفی هستند. نزدیکی آموزه‌های مذهب اباضیه با تشیع خصوصاً به دلیل دخالت دادن عقلانیت در تصمیم‌گیری‌ها از جمله موارد مهم اشتراکات مذهبی دو کشور است که این مساله بر دیگر حوزه‌ها تأثیرگذار است.

دو کشور نقش و موقعیت استراتژیکی در دوطرف خلیج فارس و دریای عمان دارند. عمان در ضلع جنوبی و ایران در ضلع شمالی این دریاها همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای هستند. موقعیت ژئوپلیتیکی دو کشور و روابط خوب آنها موجب اشتراک منافع اقتصادی نیز شده است که می‌توانند بهره ببرند.

همسایگی، اشتراک و اشراف دو کشور بر تنگه استراتژیک هرمز نیز از جمله اشتراکات دو کشور در منطقه است که این نقش، به نوعی فرامنطقه شده است. چراکه تقریباً بیش از نیمی از انرژی مورد نیاز جهان از این آبراه راهبردی عبور می‌کند.

هماهنگی، همکاری و مشارکت دو کشور در حفظ امنیت تنگه راهبردی هرمز بر نقش اساسی دو کشور در منطقه و جهان تأکید و تصریح دارد. بنابراین ایران و عمان می‌توانند با هماهنگی بیشتر و همکاری‌های تنگاتنگ در منطقه، الگوی همسایگی، هماهنگی و همکاری مرضی الطرفین با سودبری مشترک باشند.



در مجموع و با توجه ویژگی‌هایی که به صورت اختصار بیان گردید، کشور عمان به خاطر شرایط اقلیمی گرم و خشکی که دارد، سطح پایین رشد اقتصادی نسبت به کشورهای منطقه، سطح پایین رشد تکنولوژی، آب کم، کشاورزی بسیار سستی و ضعیف و... نیازمند بهره‌گیری از داشته‌های ایران است. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تفاهم با این کشور و با گسیل کارشناسان خبره در زمینه کشاورزی، صنایع دریایی، صنعت سدسازی، صنایع کوچک و... به این کشور همسایه صادرات داشته باشد. صدور خدمات فنی و مهندسی و تولیدات دامی و کشاورزی از جمله نیازهای عمان است. روابط خوب دو کشور باید به تولید ثروت ملی منجر شود. روابطی خوب است که به بیشینه سازی ثروت ملی منجر شود. ایران باید بتواند از روابط خوب سیاسی - اجتماعی و حسن همجواری با این کشور، توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی دو کشور را رقم بزند. روابط اقتصادی و بازرگانی فراگیر و عمیق، موجب وابستگی خواهد شد. ایجاد وابستگی در روابط اقتصادی و بازرگانی، سبب پایداری روابط سیاسی نیز می‌شود.

نتیجه‌گیری

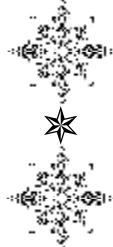
روابط ایران و عمان دارای نقاط قوتی است که باید این نقاط قوت را نخست شناخت و سپس در جهت تأکید و استمرار آنها تلاش نمود و با دوراندیشی و بویژه نگرش راهبردی، در راستای گسترش و ژرف نمودن آنها راهبرد تعریف، تدوین، تصویب و اجرا نمود. یکی از نقاط قوت روابط ایران و عمان، اعتماد طرفین به یکدیگر است و این رابطه، نه تنها طی چند سال و یا چنددهه گذشته شکل نگرفته است، بلکه طی قرن‌های متمادی همسایگی، قرابت منطقه‌ای، قرابت مذهبی، قرابت اهداف و سیاست‌های دو کشور نسبت به مسایل منطقه این اعتماد ساخته شده است. اعتمادسازی اگرچه بسیار سخت، هزینه‌بر و زمان‌بر است. اما حفظ اعتماد بین دو کشور، آن هم دو کشوری که در منطقه‌ای بسیار حساس به



لحاظ ژئوپلیتیک و دارا بودن معادن و منابع عظیم انرژی همواره مورد طمع و دسایس قدرت‌های فرامنطقه‌ای هستند، به مراتب سخت‌تر است. بنابراین اعتمادی که طی سالیان متمادی ساخته شده، به منزله گران‌سنگ‌ترین سرمایه برای هردو کشور است.

عمان برای جمهوری اسلامی ایران همسایه ای خوب و حامی بوده است. اگرچه گفته می‌شود که علاقه عمانی‌ها به ایران مربوط به حمایت ایران در پیش از اسلامی در سرکوبی چریک‌های ظفار می‌شود. اما شواهد تاریخی نشان می‌دهد که علاقه عمانی‌ها به ایران و ایرانی فراتر از یک واقعه تاریخی است و ماجرایی ظفار یکی از دلایل و عوامل علاقه عمانی‌ها به ایران است. بنابراین ریشه روابط دو کشور را نباید محدود به یک جریان خاص نمود که با کوچک‌ترین مساله‌ای خدشه‌دار گردد. حسن همجواری عمانی‌ها شایان توجه و درخور تشکر است. بنابراین ایران باید مابه ازایی برای حسن همجواری عمان منظور نماید و به خاطر این همسایه خوب که در مهم‌ترین نقطه جغرافیایی قرار گرفته است، بپردازد.

حضور عمان در شورای همکاری خلیج فارس (بخوانید شورای همکاری اعراب خلیج فارس و قدرت‌های غربی برای تضعیف و تقسیم ایران)، اگرچه به ظاهر، برای جمهوری اسلامی ایران مضر است. زیرا این کشور همسایه که داعیه حسن همجواری دارد، در پیمانی قرار عضو است که هدفشان فروپاشی جمهوری اسلامی ایران است! اما این حضور را باید غنیمت شمرد و به دنبال بهره‌برداری از این حضور بود. حضور عمان و نقشی این کشور در شورای همکاری ایفا می‌کند، اگر نگوییم کاملاً، اما به کرات و به دفعات، خنثی‌کننده اهداف، سیاست‌ها و اقدامات ضد ایرانی عربستان، امارات و قطر بوده است. آنچه که جمهوری اسلامی می‌خواهد در پیمان‌هایی مانند شورای همکاری اعمال نفوذ کند، از طریق عمان این مهم به انجام می‌رسد. حداقل دستاوردی که حضور عمان در شورای همکاری خلیج فارس می‌تواند برای ایران داشته باشد، این است که ایران از روند



امور، طرح‌ها و برنامه‌های آن مطلع می‌شود. در واقع می‌توان گفت، درست است که عمان سیاست خارجی‌اش را بر مبنای اصول بی‌طرفی و عدم مداخله در امور دیگران تنظیم کرده است. در حالی که این کشور همواره در کنار ایران و در برابر عربستان قرار داشته است. مخالفت‌های عمان با برنامه‌های عربستان در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در حقیقت حمایت از ایران و تقابل با سیاست‌های جاه طلبانه عربستان است. عمان در مسایل مختلف منطقه سیاست‌هایی همسو با جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرده است. در همین ارتباط می‌توان گفت که سیاست‌های اعلامی و اعمالی عمان متفاوت است و این تفاوت‌ها به دلیل اینکه همسو با سیاست‌ها و برنامه‌های ایران است، به آن اعتراض نمی‌کنیم. البته عمان به این مساله واقف است که تقویت ایران نه تنها به ضرر این کشور نیست، بلکه در جهت تقویت این کشور خواهد بود. زیرا جمهوری اسلامی ایران و عمان مرز مشترک زمینی نداشته و صرفاً دارای مرزهای مشترک آبی، آنهم در دوسوی شمال و جنوب تنگه استراتژیک هرمز هستند. بنابراین عمان با ایران دارای مسایل خاص و یا اختلافات ارضی و مرزی مانند آنچه با همسایه بزرگ خود عربستان و یا امارات متحده عربی دارد، نیست.

عمانی‌ها می‌دانند که هرچه عربستان سعودی قوی‌تر شود، خطرش برای آنها بیشتر است. معاملات بزرگ و خریدهای تسلیحاتی و جنگ افزارهای مدرن از کشورهای غربی و آمریکا نه علیه اسرائیل قرار است استفاده شود و نه توانایی آن را دارند که علیه ایران استفاده کنند. بنابراین شبیه آنچه در سال 1991 اتفاق افتاد و صدام تسلیحاتی که با حمایت‌های مالی و تشویق‌های کشورهای منطقه خریداری کرده بود، به دلیل اینکه نتوانست در جنگ تحمیلی هشت ساله علیه ایران بکار گیرد، علیه کویت بکار گرفت، این تسلیحات و جنگ افزارهای مدرنی که دیروز علیه یمن استفاده شد، ممکن است فردا علیه عمان استفاده شود. جمهوری اسلامی ایران باید «عربستان هراسی» را در روابطش با عمان در دستور



کاری مدون قرار دهد. بنابراین باید حضور عمان را در شورای همکاری خلیج فارس، به فال نیک گرفت. ناگفته نماند که این مساله به مفهوم نادیده انگاشتن تمامی جوانب احتیاطی و ملاحظات امنیتی نیست.

عمان بارها با مواضع و اقدامات ضد ایرانی شورای همکاری خلیج فارس به خصوص عربستان همراهی نکرده است. جدیدترین نمونه عدم همراهی و همکاری عمان با خواست شورای همکاری و عربستان، ائتلاف و جنگ علیه یمن است. عمان به رغم عضویت در شورای همکاری خلیج فارس، همواره نسبت به همسایه شمالی خود (ایران) توجه بیشتری داشته و در برقراری ارتباط با قدرت‌های جهانی تعادل را حفظ کرده است. جوهره چنین منطقی به وجود استراتژی امنیتی - دفاعی و سپس به بُعد اجتماعی روابط مسقط با همسایگان خود بر می‌گردد.

تقویت، گسترش و ژرف نمودن روابط اقتصادی، تجاری، بازرگانی، اجتماعی، فرهنگی و علمی را باید با عمان باید به روابطی راهبردی تبدیل کرد. عمان ظرفیت‌های بسیاری دارد که به اهم آن در این مقاله اشاره گردید. این ظرفیت‌ها در یکی دو دهه آتی بیشتر هویدا خواهد شد. عدم اقدام به موقع و به هنگام، موجب جایگزینی رقبا خواهد شد.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که باتوجه به ظرفیت‌ها، علایق و بویژه اعتماد طرف عمانی به ایران، هرگونه اقدامی که موجب ایجاد حساسیت و خدشه دار شدن اعتماد شود، باید از دستور کار خارج شده و فعالیت‌ها به بخش خصوصی واگذار گردد با نظارت دولت. کار نکردن بهتر از بد کار کردن است. این اصل را نباید از نظر دور داشت.



منابع

- سرهنگ پرویز ضیغمی (1396) مصاحبه، دانشجوی دوره دافوس ارتش جمهوری اسلامی ایران در عمان
- سرهنگ مسعود دهقان (1396) مصاحبه، دانشجوی دوره دافوس ارتش جمهوری اسلامی ایران در عمان،
- سرهنگ سعید افشاری (1396) مصاحبه، دانشجوی دوره دافوس ارتش جمهوری اسلامی ایران در عمان
- دکتر علی اکبر ضیایی (1396) مصاحبه، کارشناس عالی فرق اسلامی و فعال فرهنگی مرتبط با عمان
- واعظی، محمود (1384)، مبانی نظری میانجی‌گری در مناقشات بین‌المللی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. .
- نیکخواه، مسلم (1395) ظرفیت شناسی عمان در محور مقاومت، پژوهش راهبردی اندیشه سازان نور
- مقتدر، هوشنگ (1384) حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ دهم، تهران: انتشارات وزارت خارجه،
- محمود واعظی (1386) میانجی‌گری در نظریه و عمل، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک
- رنج‌کش، محمد جواد و دیگران (1392) «برندسازی در دیپلماسی نیچه‌ای قطر»، فصلنامه مطالعات سیاسی، ش 19، بهار 1392
- درویش‌وند، حسن (1395)، بررسی اختلافات عمان و عربستان، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، صورت جلسه ش 3
- مشکور، محمد جواد (1375)، فرهنگ فرق اسلامی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم
- یگانه، عباس (1391)، عمان (کتاب سبز)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- علی یحیی، معمر (1370)، «باضیه یکی از مذاهب میانه رو اسلامی»، ترجمه حمیدرضا شیخی، ش 33
- جابری انصاری، رحیم (1395)، بررسی ظرفیت و نقش عمان در تحولات یمن، عراق و سوریه، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور
- مهدوی جو، محمود (1394)، «اختلافات مذهبی عمان و عربستان»، مقاله پشتیبان، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ش 4، بهار
- مشهدی، مرتضی (1394)، عملکرد عمان در بحران‌های امنیتی، مقاله پشتیبان، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، شماره 3
- خلیلی احمد بن حمد (1412 ق) وسقط القناع، عمان: مکتبه الضامری.

منابع انگلیسی

- Albrto L(2012) Niche Diplomacy: A Key for Smaller States to Become Visible? The Example of Norway and Peacemaking Diplomacy, 2012, Retrieve from: <http://publicandculturaldiplomacy1.wordpress.com/2012/03/22/nichediplomacy-a-key-for-smaller-states-to-become-visible>.
- Peterson, J.E(2006) "Qatar and the World: Branding for a Micro-State", Middle East Journal, Vol. 60, No. 4, Autumn 2006
- Louis Kenkin, and Others(1987) International law, Case and Materials, Second Edition, West Publication co. Minnesota, 1987
- Davis, H. E and Dugan, M.A(1982) Training the Mediator, Peace and Change, 1982